



بزرگی می تواند
باشد

بزرگی می تواند باشد

آموزه های بزرگی
در مورد زندگی.
گاهی باید باورها را تغییر
داد تا زیباتر زندگی
کرد.....

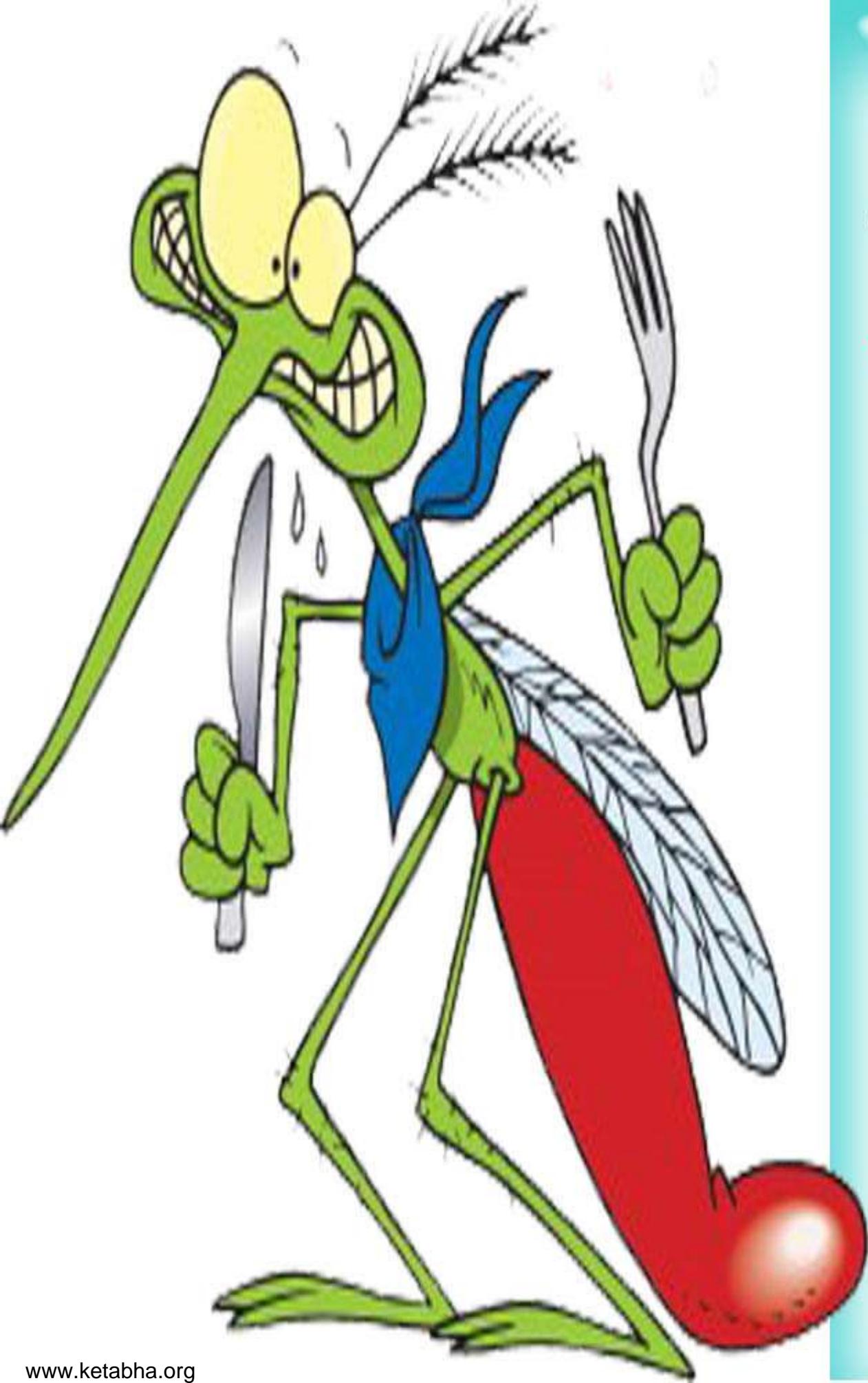
خلاق

METAKHALAGH.COM

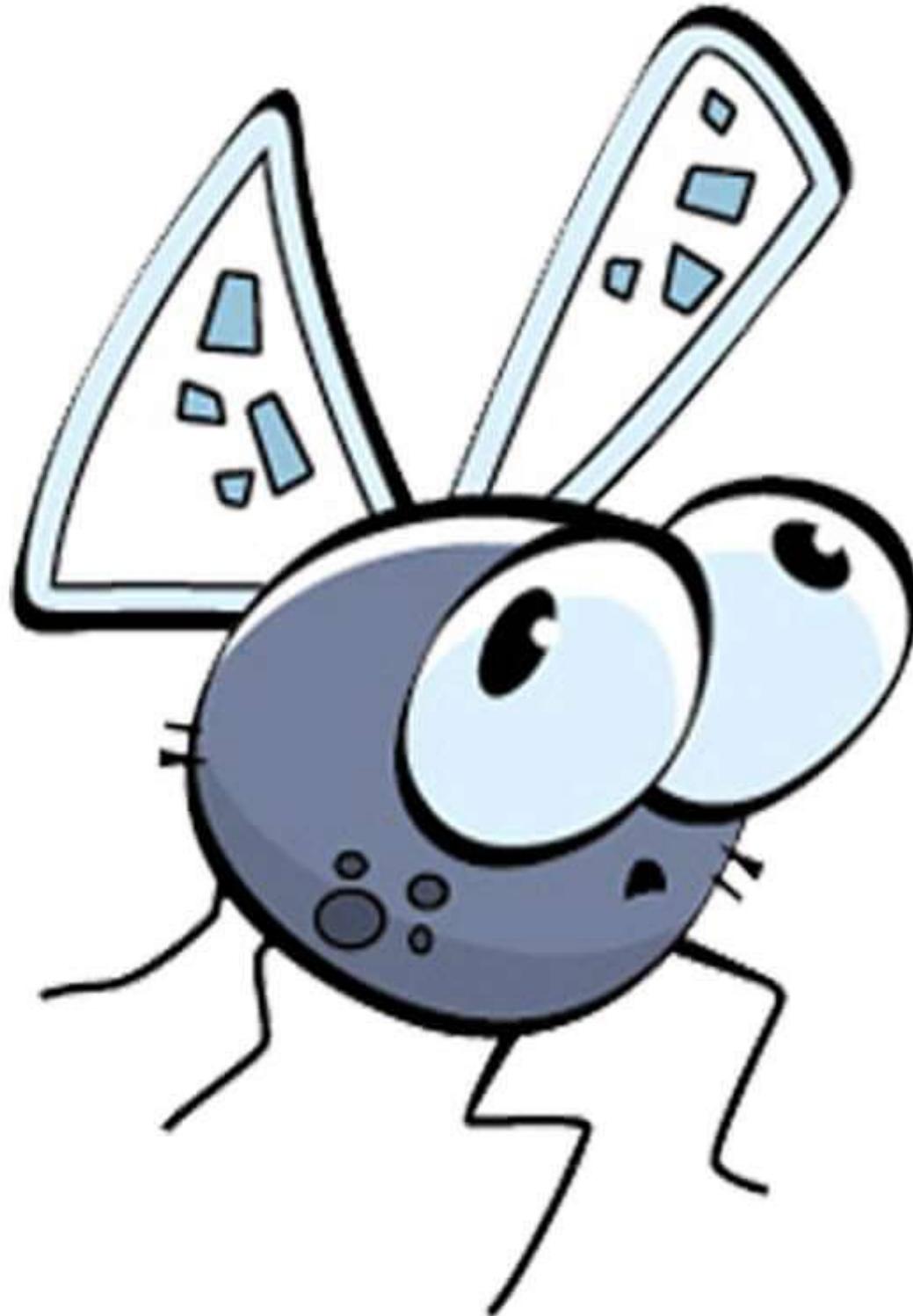
بزرگی می گفت:
رژیم که فقط
غذایی نیست.
رژیم دوری از
افکار منفی بگیر،
دوری از آدمای
منفی بگیر.
یک ماه رعایت
کنی،
سه کیلو از
بیماری هات کم
میشه.
باور کن



بزرگی می گفت:
سعی کن در زندگی
برای رسیدن به
اهدافت مانند **پشه**
باشی. چرا که اگه
پنجره دو میلی متر
باز باشه، پشه
داخل میشه ولی
اگر شش پنجره
همزمان باز باشند،
بیرون نمی ره
پس پشه باش!
تا به هدف خودت
رسیده ای آن را
رها نکن
باور کن



بزرگی
می گفت:
اگر ما در
زندگی فقط
یک پنجم
سماجت
مگس را
داشته
باشیم، به
هرچه
می خواهیم
می رسیم.
باور کن



بزرگی می گفت:
زندگی به من
آموخت تنها چیزی
که با گذشت زمان
درست می شه،
سیر ترشیه!
پس نا امیدی و
کینه هاتون رو دور
بریزید، چرا که
گذشت زمان
درستشون
نمی کنه.
باورکن

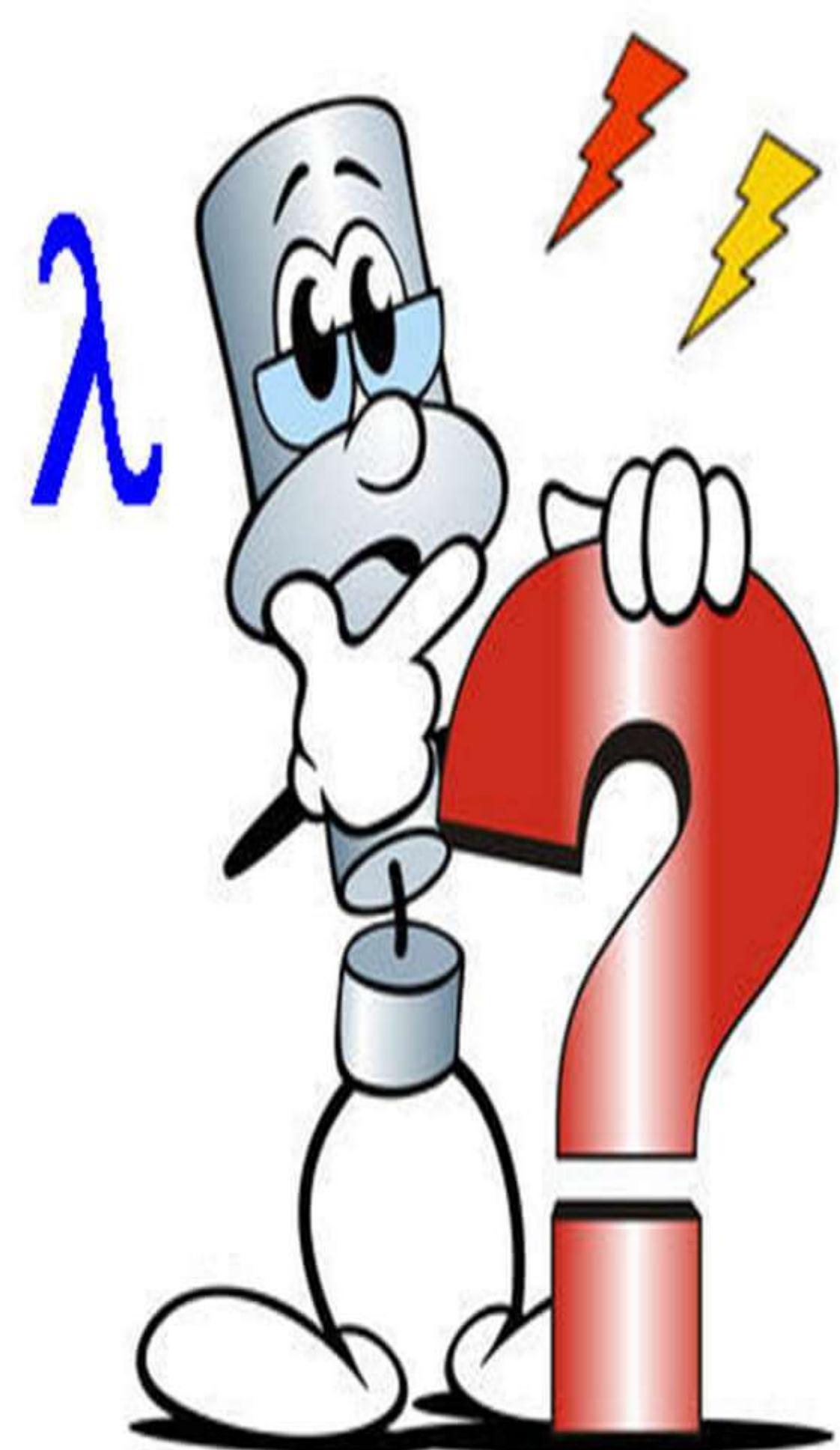


بزرگ می گفت: روزی
جوانی نزد من آمد و گفت
: «یا بزرگ عرض دارم».
بزرگ گفت «عرضت را
بگو». جوان عرضش را
گفت. سپس به جوان
گفت «طولت را هم بگو».
جوان طولش را نیز
بگفت.

و بدین ترتیب بزرگ
مساحت جوان را بدست
آوردندی.

پس در زندگی با طول و
عرض خود، مساحت را
حساب کن و به اندازه
ظرفیت تلاش کن.

باور کن



بزرگی می گفت:
روزی فردی چنان
با شتاب وارد
خانه ام شد که
به علت سرعت
بیش از حد، از
در پشتی خارج
شد!

سعی کن در
زندگی میانه رو
باشی.
باور کن



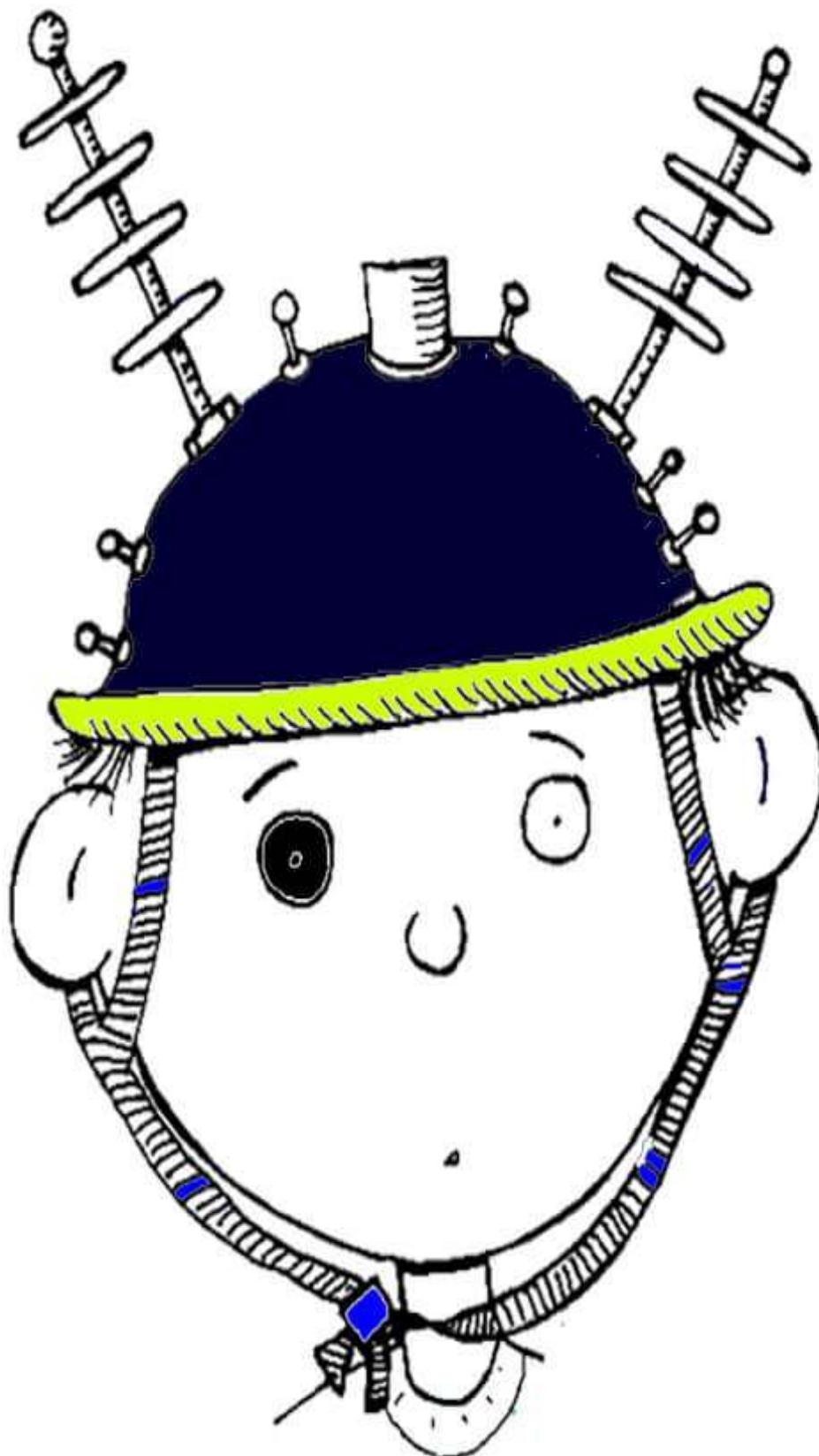
بزرگی می گفت:
اعصاب چیزیست
که هیچ کس
ندارد ولی **توقع**
دارند که تو
داشته باشی! و
توقع چیزیست
که همه دارند و
تو نباید داشته
باشی!
پس در زندگی
هم اعصاب
داشته باش و
هم قانع باش.
باور کن



بزرگی می گفت:
به کتلت بنگر که
چه غذای لذیذی
است! اگرچه
هدفش این بوده
که **کباب کوبیده**
شود و مشکلات
زندگی مانع
پیشرفت پیشترش
شده، اما راهش را
به گونه دیگری پیدا
کرده است.
پس کتلت باش!
تمام **تلاشت** را بکن
و ببین که عاقبت
بخیر می شوی!
باور کن



بزرگی
می گفت:
با فکر کردن
به هر چیز
بی ارزشی،
ذهن خود را
انباری نکنیم.
بعضی چیزها
ارزش فکر
کردن ندارند.
باور کن





بزرگی می گفت:
آدم داغون از اول
داغون نبوده
است. داغونش
کرده اند.

آدم آرام
همینطور ...
آدم عصیم
همینطور ...
ولی آدم بیشур،
از اوّلش هم
بیشур بوده
است.

پس در زندگی از
چنین انسان هایی
حدر کن.

بزرگی می گفت:
موقع عصبانیت
چای سبز با **لیمو**
بخورید. اگر چه
تأثیری ندارد، ولی
کلاس که دارد!
پس در زندگی
آرامش خودت را
حفظ کن و برای
مسئل پیش پا
افتاده عصبانی
نشو.
باور کن

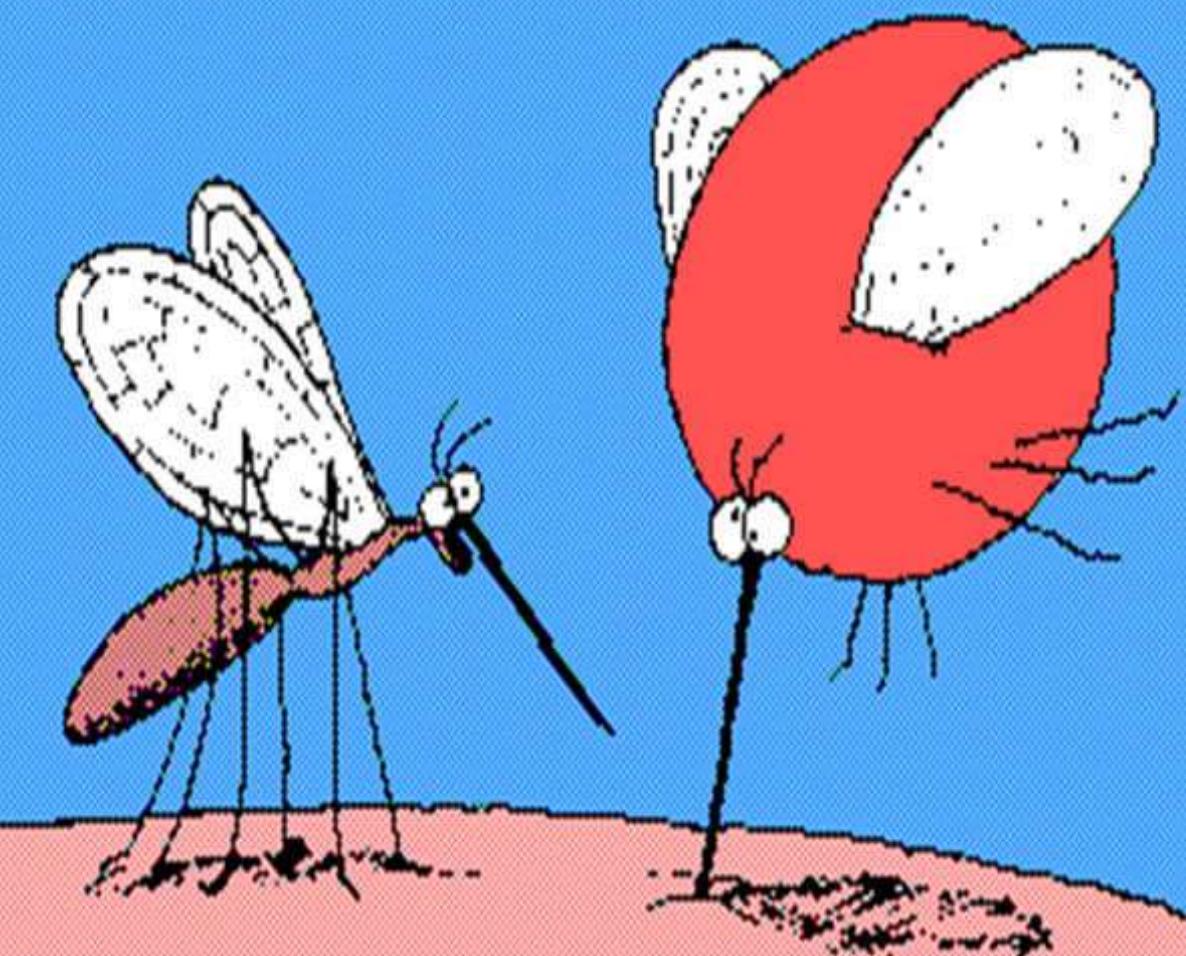


بزرگی می گفت:
«اگر چه
خوشبختی فاصله
بین این بدبختی
تا بدبختی
بعدیه»
ولی تو از تمام
لحظات زندگیت
لذت ببر که
فاصله اش بیشتر
باشه
باورکن



بزرگی می گفت:
به برنامه ریزی
پشه و مگس بنگر!
پشه روزها می
خوابد و شب ها
کار می کند؛
مگس نیز روزها
کار می کند و شب
ها استراحت می
کند.

تو که از حشره ها
کمتر نیستی! پس
برای زندگیت
برنامه ریزی کن.
باورکن



بزرگی می گفت:
در زندگی مهمترین
چیز این است که:
«شلوارت را خوب
بکشی بالا»، چون
پس فردا به هر
موفقیتی که بررسی
می گویند: **این**
همانی بود که نمی
توانست شلوارش
را بکشد بالا!
پس در زندگی،
اولین گام هایت را
محکم و درست
بردار تا دیگران
موفقیت هایت را
زیر سوال نبرند.
باور کن



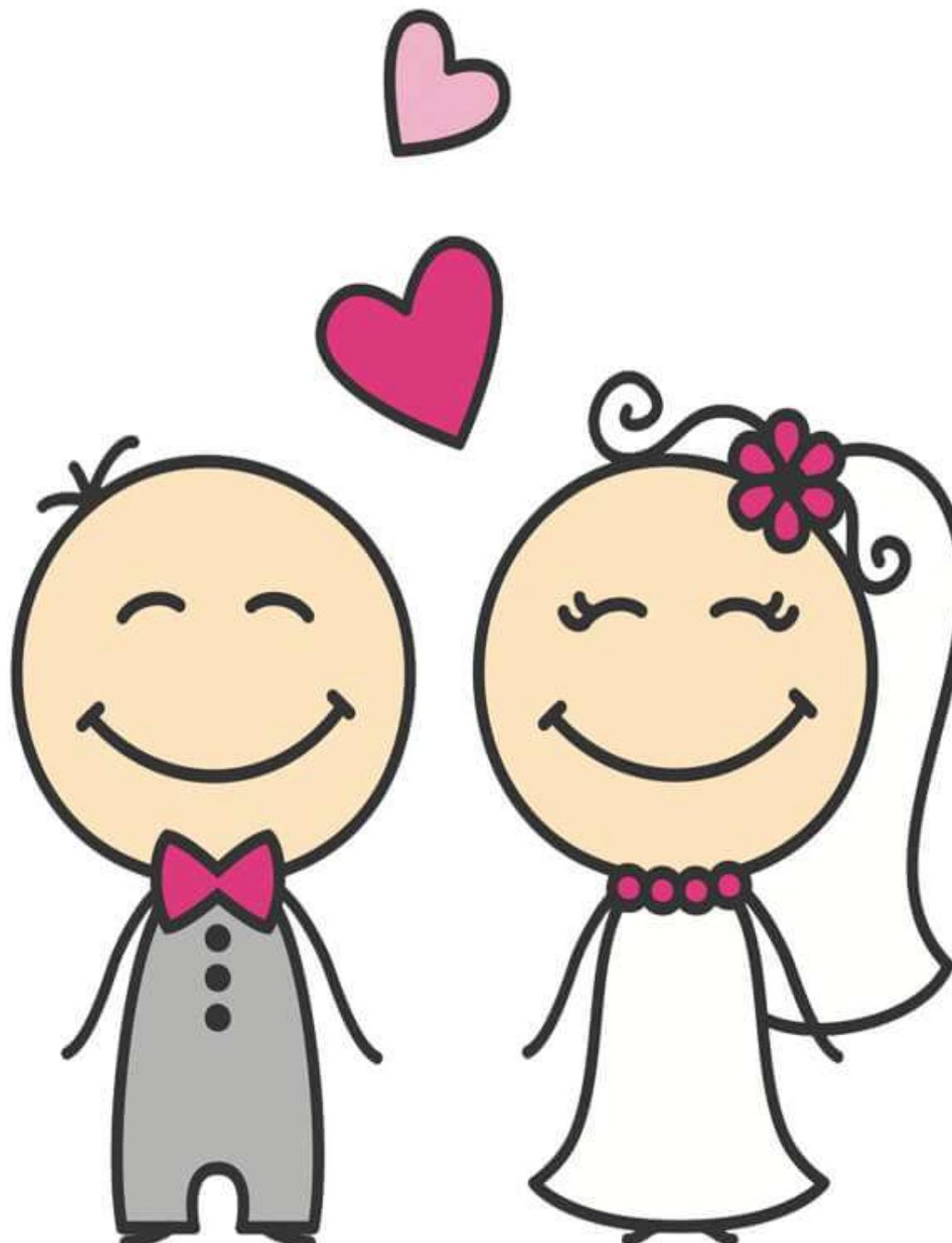
بزرگی می گفت:
اگر روزی دیدی
که دشمن داری،
بدان و آگاه باش
که الزاماً دلیل بر
موفقیت تو
نیست ...
احتمالاً یک جا
یک خبطی
کرده ای!
پس سعی کن
در زندگی سرت
به کار خودت
باشد تا برای خود
دشمن نتراشی.
باور کن





بزرگی
می گفت:
زندگی را
زياد
جدى نگير.
چرا که
تا به حال
هیچ کس
از آن،
زنده بیرون
نیامده است!
باورکن

بزرگی می گفت:
به مردان بنگر که
چگونه در
خواستگاری آن
چنان سوالات
فلسفی درباره
زندگی می پرسند که
ملاصدرا هم جواب
آن ها را نمی داند!
اما **پس** از ازدواج
تنها به یک سوال
بسنده می کنند:
شام چی داریم؟
پس بدان که زندگی
تنها یک فلسفه
دارد: **ساده زندگی**
کن و آسان بگیر.
باورکن

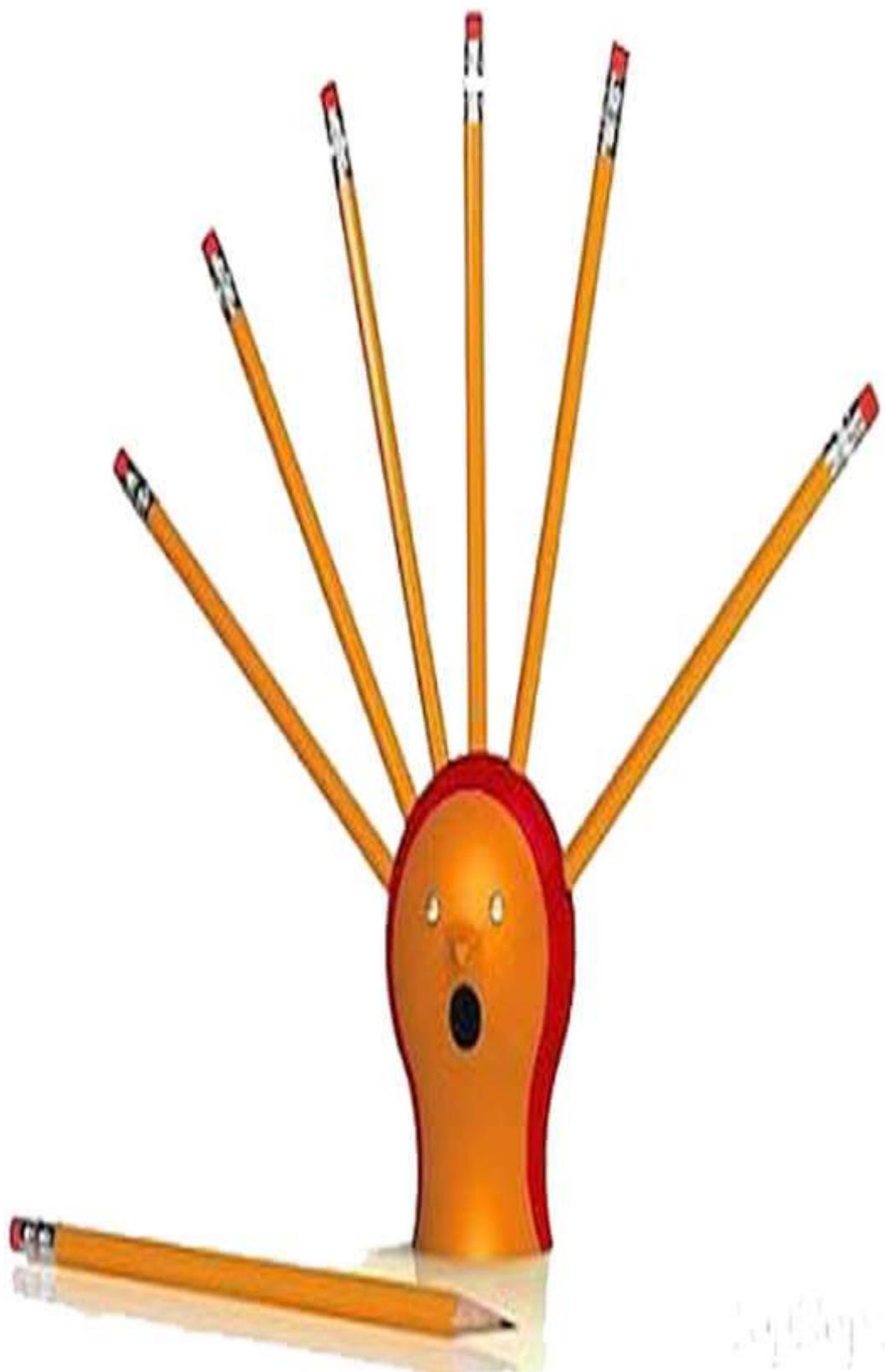


بزرگی می گفت:

یادش بخیر، در زمان
های دور که به **مدرسه**
می رفتم، کسانی که
به جای مداد، **اتود**
داشتند، همیشه در
نظرم یک جور دیگر
بودند! آن ها را در
دسته «از ما بهتران»
گذاشته بودم! بعد ها
فهمیدم خیلی از آن
ها از ما هم بدتر
بودند!

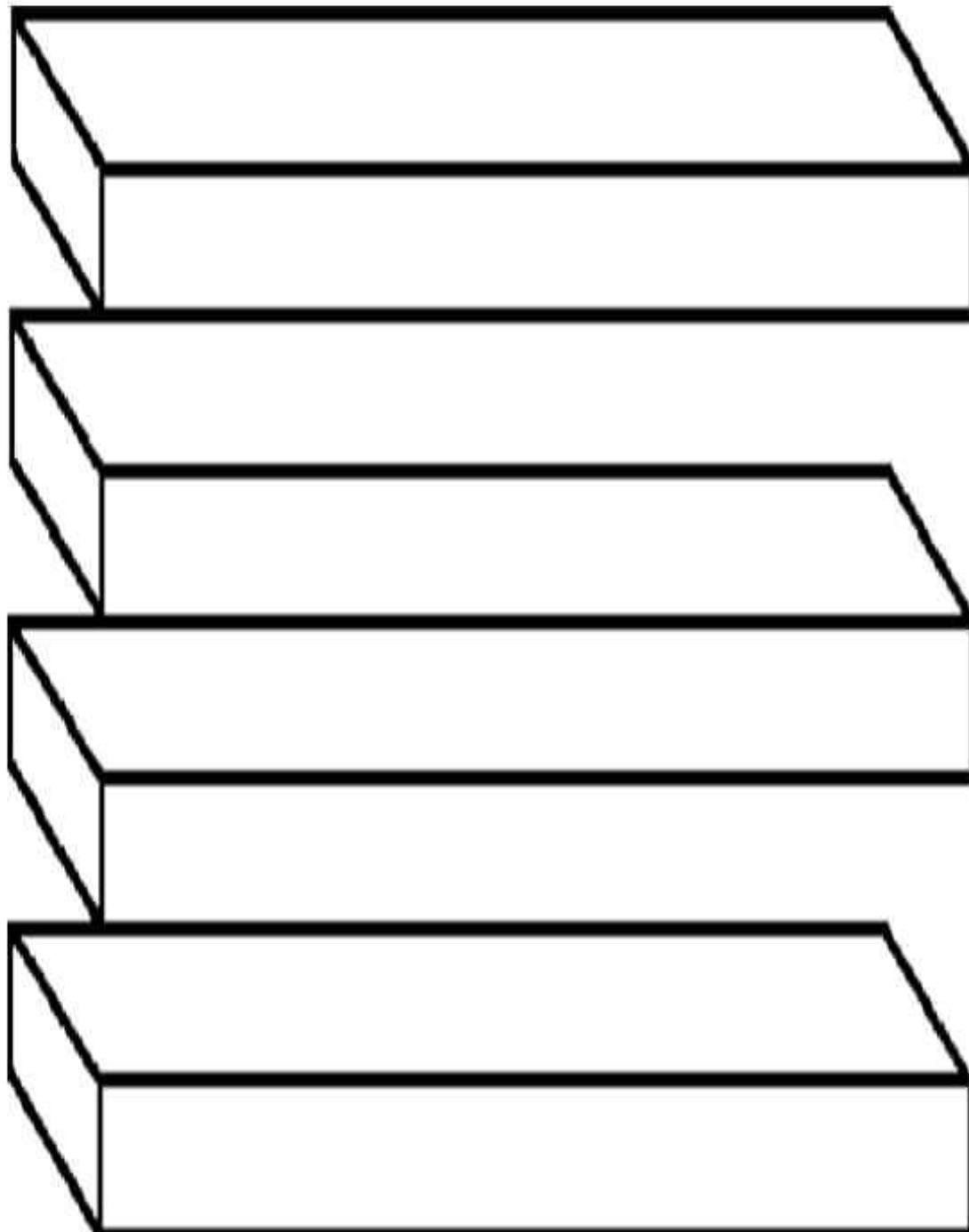
همانجا بود که به
خودم گفتم:

«ای بزرگ! مردم را از
باطنشان قضاوت کن
نه از ظاهرشان!»
باور کن



بزرگی می گفت:
همیشه در جمع
مریدان این نکته
مهم را می گوییم که
اگر در این مدت، از
من **خطای** دیدید،
همی بدانید که
حتماً خودتان
خطای دید دارید!
پس در زندگی به
دنبال یافتن
مشکلات دیگران
نباش، **شاید**
مشکل از خودت
باشد.

باور کن



بزرگی می گفت:
روزی جوانی پریشان
حال به نزدم آمد و
گفت: «ای بزرگ!
بهترین چراغ های
زندگیم، چهارتا چراغ
مودم می باشد، اگر
خاموش شوند، بسیار
قاطی می کنم. مرا
پندی ده تا از این
پریشانی خلاصی
یابم!». من نیز او را
پندی دادم.
سعی کن در زندگی
به چراغ های ساختگی
دل نبندی، بنگر که
منبع نور واقعی
کجاست.

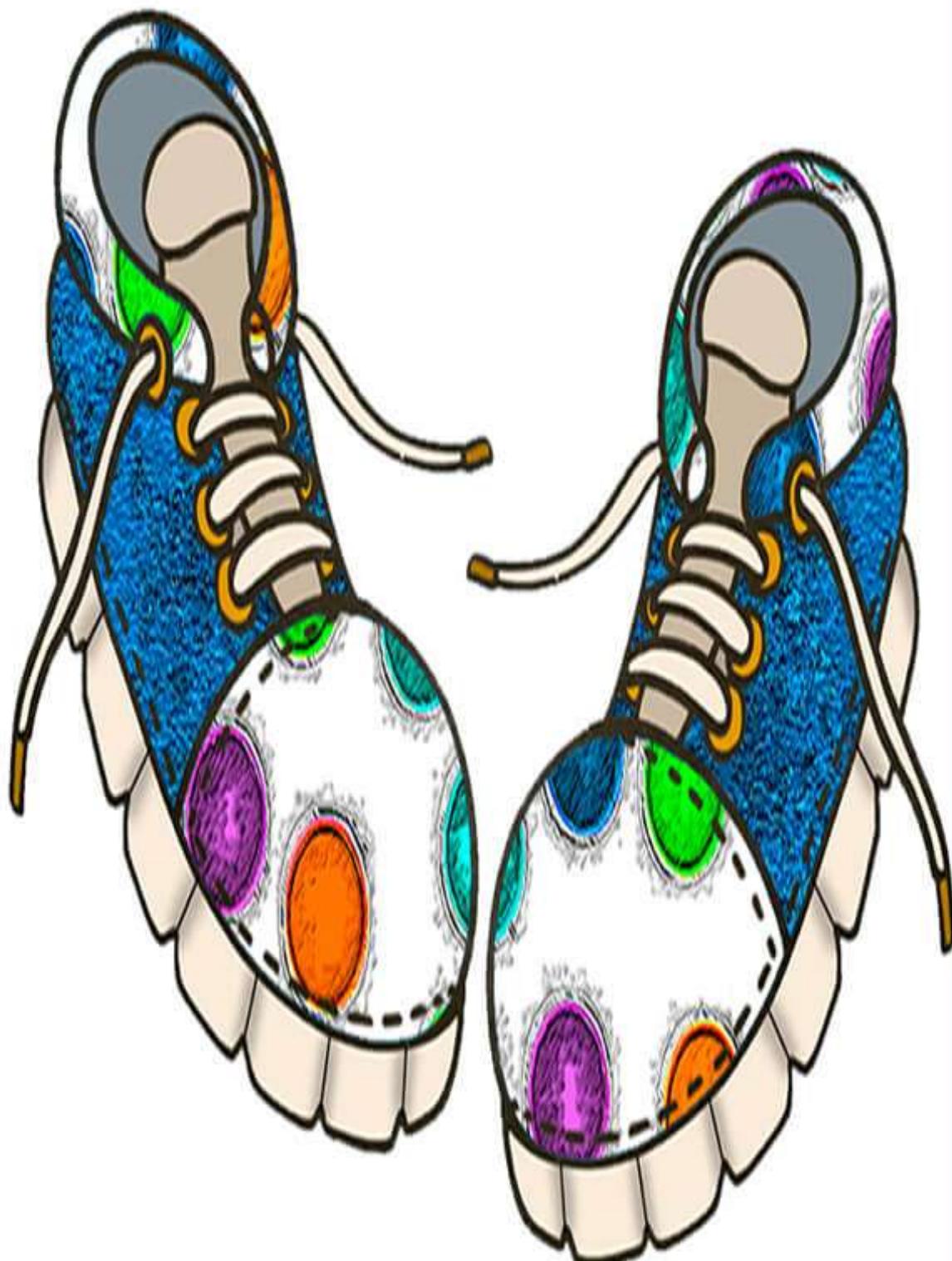
باورکن



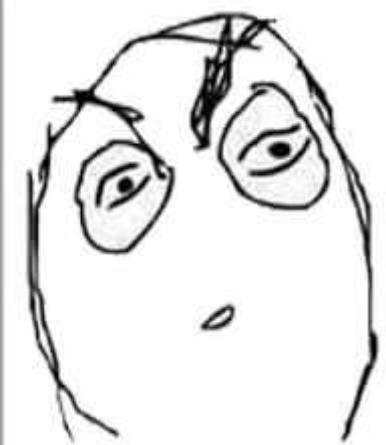
بزرگی می گفت:
روزی به قصد خرید
کفش به مغازه ای
رفتیم. فروشنده گفت
از این مدل ببرید که
همی برازنده
شماست!

گفتیم خیر، این مدل
بسی **جلف و سبک**
است.

ناگهان فروشنده از
پشت میز بیرون آمد و
دیدیم که همان **مدل**
برازنده را به پا دارد!
سعی کن در زندگی
هنگام پاسخ دادن
محظوظ باشی که ضایع
نگردی.
باورکن



بزرگی می گفت:
بدان و آگاه باش که
همی پوست ناخن از
خیانت کارترین
پوست هاست!
در ابتدا فقط گوشه
ای از ناخن خودنما می
می کند، اما تا آن را
می کشی بیرون، تا
زیر زانوانت پایین
آمدندی!
پس در زندگی هیچ
وقت مسائل را
کوچک نشمار و ببین
ریشه آن در
کجاست.
باورکن





بزرگی
می گفت:
امروز،
مهم ترین تکیه گاه
زندگی ام را از
دست دادم ...
پشتی صندلی ام
شکست ...
سعی کن در
زندگی تکیه گاه
محکمی انتخاب
کنی.
باورکن

بزرگی می گفت:
زندگی را مانند سوب
پختن آسان بگیر.
سوب پختن مگر
کاری دارد؟ فریزر را
باز میکنی هرچی به
دستت رسید درون
یک قابلمه پر از آب
میریزی.

بعد هم روی مبل
جلوس می کنی،
هرکسی هم که به
آشپزخانه رفت؛ از
همانجا نعره می زنی
که بی زحمت آن را
همی بزن ...
باورکن



بزرگی
می گفت:
زندگی را
از زودپز بیاموز.
با اینکه
در حال سوختن
است،
اما
بیخیال از دنیا
نشسته
و برای خود سوت
بلبلی می زند!
باورکن



بزرگی
می گفت:
زندگی را از خربزه
بیاموز.
هیچ دلیل خاصی
هم ندارد،
پند خودم است،
دوست داشتم
اینگونه باشد.
سعی کن در
زندگی با بزرگ‌تر
از خودت بحث
نکنی.
باورکن



بزرگی می گفت:
سی سالگی مانند
سه شنبه است،
برای هر کاری **هم**
دیر است و **هم**
زود....

دیگر بستگی به
خودت دارد که به
سه شنبه به عنوان
روز دوم **هفته**
خارجکی ها نگاه
کنی،
یا وسط متمایل به
آخر هفته خودمان.
باورکن

HAPPY TUESDAY





بزرگی
می گفت:
«**داستایوسکی**»
در کتاب
«تسخیر
شدگان»
عجب جمله
جالبی دارد!
آن را بخوان و
متحول شو.
البته من آن را
نخوانده ام، اما تو
بخوان قول می
دهم در پندهای
آتی جبران کنم.
باورکن

دوستان عزیز
ممnon از توجه
شما.

گاهی جملات
کوتاه و طنز خیلی
تأثیر بیشتر و
موثرتری بر روی
ذهن ما
می گذارند.
هدف ما از این
کتاب گفتن
جملاتی مفهومی
در غالب طنز برای
توجه بیشتر شما
بود.

باورکن

